تازه‌های اقتصاد

سه‌شنبه ۰۳ آذر ۱۴۰۵
۱۴ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۴ نوامبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۷۱

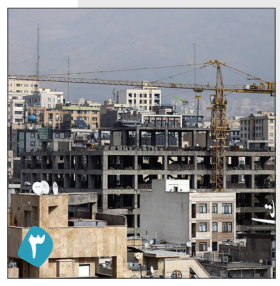

ساخت‌وساز در محاصره تورم و افت تولید

۳

عبدالمهدی ارجمندنژاد و فاطمه مهجوریان در میزگرد تخصصی تازه های اقتصاد تحلیل کردند

نبرد با پول‌های کثیف



پولشویی از جمله چالش‌های جدی نظام‌های مالی و بانکی در جهان است که آثار و پیامدهای آن به تخلفات بانکی یا جابه‌جایی منابع مالی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند سلامت اقتصاد، شفافیت مبادلات، اعتماد عمومی به نظام مالی و حتی توانایی کشورها در مقابله با جرایم سازمان‌یافته را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، شبکه بانکی به دلیل نقش محوری در گردش وجوه و انجام مبادلات مالی، جایگاهی تعیین‌کننده در شناسایی و جلوگیری از ورود و جابه‌جایی منابع حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی دارد. از همین رو، مقابله با پولشویی صرفاً به تدوین قوانین و مقررات محدود نیست و به نظارت مؤثر، شناسایی رفتارهای مالی غیرمتعارف، تبادل اطلاعات و اجرای دقیق الزامات در سطح بانک‌ها و مؤسسات مالی نیاز دارد.

با گسترش ابزارهای پرداخت و خدمات مالی دیجیتال، پیچیده‌تر شدن شیوه‌های انتقال وجوه و تغییر روش‌های سوءاستفاده از حساب‌های بانکی، شناسایی جریان‌های مالی مشکوک نیز با دشواری‌های تازه‌ای روبه‌رو شده است. در چنین شرایطی، علاوه بر به‌روزرسانی مقررات و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری، نحوه اجرای استانداردهای داخلی و بین‌المللی و میزان هماهنگی میان نهادهای مسئول اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از سوی دیگر، همچنان این پرسش مطرح است که با وجود تدوین قوانین و ایجاد سازوکارهای نظارتی، چه موانعی بر سر راه اجرای مؤثر برنامه‌های مبارزه با پولشویی قرار دارد و شبکه بانکی تا چه اندازه از ابزارها و ظرفیت‌های لازم برای مقابله با این پدیده برخوردار است.

با توجه به اهمیت روزافزون این موضوع و ضرورت بررسی ابعاد مختلف آن، از الزامات قانونی و استانداردهای بین‌المللی گرفته تا چالش‌های اجرایی، نظارت بر تراکنش‌ها و نقش بانک‌ها در شناسایی و مقابله با جریان‌های مالی مشکوک، میزگردی با حضور عبدالمهدی ارجمندنژاد، مدیرکل پیشین مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی بانک مرکزی و فاطمه مهجوریان، کارشناس حوزه مبارزه با پولشویی برگزار کردیم تا مهم‌ترین مسائل، موانع و الزامات مقابله با پولشویی در نظام بانکی را بررسی کنیم.

عبدالمهدی ارجمندنژاد با تأکید بر اینکه چالش اصلی مبارزه با پولشویی در کشور ضعف در اجرای قوانین است، نه کمبود مقررات، گفت: «حتی اگر بهترین قوانین و مقررات را داشته باشیم، اما اجرای آنها ضعیف باشد، می‌توان گفت عملاً آن قوانین را در اختیار نداریم.» وی با اشاره به ضرورت تقویت زیرساخت‌های نظارتی و سامانه‌های رایانه‌ای بانک‌ها، اظهار کرد که نظام بانکی باید از سیستم‌های قدرتمندی برای پردازش حجم وسیع داده‌ها، شناسایی موارد غیرعادی و تشخیص نشانه‌های احتمالی تخلفات مالی برخوردار باشد. به گفته وی، عملکرد نیروی انسانی، احتمال همکاری برخی افراد حرفه‌ای با پولشویان و بی‌دقتی کارکنان نیز از چالش‌های اجرایی این حوزه محسوب می‌شود.

ارجمندنژاد با انتقاد از کندی فرایند قانون‌گذاری در کشور در مقایسه با سرعت تحولات فناوری، بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت فناوری‌های نوین نظارتی و هوش مصنوعی تأکید کرد و خواستار تغییر فرهنگ کند و سنگین سیاست‌گذاری شد. وی همچنین نظارت مؤثر بانک مرکزی بر عملکرد مؤسسات اعتباری، بررسی سیستم‌های کنترل داخلی و اعمال مجازات‌های بازدارنده را از الزامات ارتقای سلامت نظام بانکی دانست. این مدیر پیشین بانک مرکزی با اشاره به وجود حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون حساب بانکی در کشوری با جمعیت ۸۰ تا ۹۰ میلیون نفر، ساماندهی حساب‌ها از طریق سامانه حسام را اقدامی در جهت تسهیل نظارت و مقابله با پولشویی عنوان کرد. وی همچنین نسبت به تبعات قضایی و مالیاتی واگذاری حساب‌ها و کارت‌های بانکی به دیگران هشدار داد و تأکید کرد که اجرای استانداردهای مبارزه با پولشویی، پیش از هر چیز، در راستای تأمین منافع ملی و سلامت اقتصادی کشور است.

فاطمه مهجوریان با هشدار نسبت به پیامدهای ضعف نظام بانکی در اجرای استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پولشویی، گفت: «اگر نظام بانکی در حوزه مبارزه با پولشویی پیشرفت نکرده باشد، حتی در نبود تحریم نیز ممکن است امکان برقراری رابطه کارگزاری فراهم نشود.» وی ضعف در رعایت این استانداردها را زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی «تحریم نرم» دانست که می‌تواند حتی پس از رفع تحریم‌های رسمی، مانع تعامل بانک‌های ایرانی با شبکه بانکی جهان شود. این کارشناس با تأکید بر اینکه هم‌راستایی سرفصل‌های مقررات داخلی با توصیه‌های FATF لزوماً به معنای انطباق کامل با استانداردهای بین‌المللی نیست، خواستار ارزیابی دقیق مقررات و ارتقای مستمر عملکرد نظام بانکی شد. مهجوریان همچنین سرعت پایین اصلاح مقررات در مقایسه با تحولات فناوری را یکی از چالش‌های مهم کشور عنوان کرد و بهره‌گیری از هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال را فرصتی برای بهبود فرایندهای نظارتی و شناسایی مشتریان دانست. وی محدود شدن فرایند شناسایی مشتری به احراز هویت در زمان افتتاح حساب را از دلایل سوءاستفاده از حساب‌های بانکی در کشور برشمرد و بر ضرورت مراقبت مستمر از مشتریان متناسب با سطح ریسک آنها تأکید کرد. این کارشناس همچنین اعمال مجازات‌های مؤثر، متناسب و بازدارنده علیه اشخاص حقیقی و حقوقی متخلف را ضروری دانست و جریمه‌های مالی و اعلام عمومی تخلفات را از ابزارهای اصلاح رفتار مؤسسات مالی عنوان کرد. به گفته وی، مبارزه با پولشویی صرفاً یک الزام بین‌المللی نیست، بلکه با قطع دسترسی مجرمان به منابع مالی و کاهش انگیزه ارتکاب جرم، مستقیماً به تأمین منافع ملی کمک می‌کند. وی دوره تحریم را فرصتی برای تقویت و آماده‌سازی نظام بانکی برای تعاملات بین‌المللی دانست.

ادامه در صفحه۲

سرمقاله

مبارزه با پولشویی فراتر از نظارت بانکی



فرهاد حنیفی
معاون اسبق نظارت بانکی

پولشویی از جمله پدیده‌هایی است که مقابله با آن صرفاً از مسیر نظارت بر نظام بانکی امکان‌پذیر نیست. هرچند بانک‌ها یکی از مهم‌ترین مجاری ورود و جابه‌جایی منابع مالی هستند، اما دامنه پولشویی بسیار گسترده‌تر از تراکنش‌های بانکی است و حوزه‌هایی مانند دارایی‌های دیجیتال، طلا، سکه، ارز و املاک را نیز دربرمی‌گیرد. از این رو، محدود کردن مبارزه با پولشویی به بانک مرکزی و شبکه بانکی، نمی‌تواند به نتیجه مطلوب منجر شود و همکاری همه ارکان حاکمیت را ضروری می‌سازد.

برای درک اهمیت این موضوع، باید به تجربه جامعه جهانی در تدوین چارچوب‌های مقابله با جرایم سازمان‌یافته توجه کرد. کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم از جمله اسناد بین‌المللی مهمی هستند که با استقبال گسترده کشورها مواجه شده‌اند. در کنوانسیون پالرمو نیز بخش مهمی به موضوع پولشویی اختصاص یافته است. در ایران، کنوانسیون پالرمو پس از طی فرایندهای قانونی به تصویب رسید، اما همچنان موانعی در مسیر الحاق نهایی کشور به آن وجود دارد. در تعریف پولشویی، موضوع اصلی ورود عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه به چرخه رسمی اقتصاد و پنهان کردن منشأ غیرقانونی این منابع است. درآمدهای حاصل از قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اسلحه، رشوه و فرار مالیاتی، در صورتی که وارد فعالیت‌های اقتصادی ظاهراً قانونی شوند، می‌توانند در فرایند پولشویی قرار بگیرند. بنابراین، مبارزه با این پدیده تنها شناسایی تراکنش‌های مشکوک نیست، بلکه باید منشأ منابع مالی و مسیر گردش آن‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد.

در این مسیر، چارچوب‌های بین‌المللی بر سه محور شناسایی مشتری، جمع‌آوری اطلاعات درباره عملکرد و فعالیت‌های مالی و گزارش موارد مشکوک تأکید دارند. در آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی نیز احراز هویت، شناسایی فعالیت‌های اقتصادی و شناسایی مالک یا ذی‌نفع واقعی از الزامات اصلی محسوب می‌شوند. اجرای دقیق این الزامات می‌تواند امکان شناسایی جریان‌های مالی غیرشفاف را افزایش دهد. البته شناسایی مشتری نباید صرفاً به دریافت مدارک هویتی و ثبت اطلاعات اولیه محدود بماند. شناخت ماهیت فعالیت اقتصادی مشتری و تناسب گردش مالی او با نوع کسب‌وکار و درآمد اعلام‌شده نیز اهمیت دارد. اطلاعاتی که در طول رابطه مالی با مشتری جمع‌آوری می‌شود، در کنار بررسی الگوی تراکنش‌ها، می‌تواند به تشخیص رفتارهای غیرمتعارف کمک کند. به همین دلیل، کیفیت اطلاعات و امکان تحلیل و تبادل آن میان نهادهای مسئول، به اندازه وجود مقررات و دستورالعمل‌ها اهمیت دارد. با این حال، اثربخشی مبارزه با پولشویی تنها به تدوین دستورالعمل و اجرای مقررات محدود نمی‌شود. یکی از الزامات مهم، ایجاد شرایطی در اقتصاد است که فعالیت در مسیرهای رسمی و شفاف برای مردم و بنگاه‌ها صرفه اقتصادی داشته باشد. اگر هزینه فعالیت قانونی بیش از اندازه افزایش پیدا کند، انگیزه استفاده از مسیرهای غیررسمی و فرار مالیاتی نیز تقویت خواهد شد. به همین دلیل، سیاست‌های مالیاتی و نحوه تنظیم هزینه‌های فعالیت اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی شوند که حرکت به سمت اقتصاد غیرشفاف توجیه‌پذیر نباشد.

از سوی دیگر، ثبات اقتصاد کلان نیز یکی از پیش‌شرط‌های مهم در این زمینه است. تورم‌های بالا و بی‌ثباتی مستمر اقتصادی، امکان برنامه‌ریزی را از خانوارها، بنگاه‌ها و حتی دستگاه‌های اجرایی می‌گیرد و می‌تواند زمینه شکل‌گیری عدم تعادل‌های اقتصادی را فراهم کند. در چنین شرایطی، مقابله با فعالیت‌های غیرشفاف دشوارتر خواهد شد. بنابراین، مبارزه با پولشویی باید در کنار سیاست‌های تثبیت اقتصادی و اصلاح ساختارهای اقتصادی دنبال شود. در این میان، بانک مرکزی به واسطه مسئولیت نظارت بر شبکه بانکی و تدوین دستورالعمل‌های مرتبط، جایگاه مهمی در مقابله با پولشویی دارد. رعایت مقررات از سوی بانک‌ها، شناسایی تراکنش‌های مشکوک و همکاری با مرکز اطلاعات مالی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کنترل این پدیده کمک کند. استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی برای تحلیل تراکنش‌ها و شناسایی الگوهای غیرعادی نیز ظرفیت تازه‌ای در اختیار شبکه بانکی قرار داده است. این ابزارها می‌توانند حجم بالای اطلاعات مالی را بررسی کنند و مواردی را که با الگوهای معمول فعالیت مشتریان همخوانی ندارند، برای بررسی بیشتر مشخص سازند.

ادامه در صفحه۴

نبرد با پول‌های کثیف



ادامه تیتریک **بانک‌ها در حوزه مبارزه با پولشویی چه نقشی دارند و چه مسئولیت‌هایی در پیشگیری از این پدیده و شناسایی جرائم مالی بر عهده آنهاست؟**

ارجمندنژاد: برای بررسی نقش بانک‌ها، ابتدا باید به مفهوم پولشویی توجه کنیم. پولشویی یک جرم ثانویه است؛ یعنی ابتدا جرمی اتفاق می‌افتد و از آن درآمدی حاصل می‌شود. افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، برای اینکه درآمد حاصل از آن را مشروع و قانونی جلوه دهند، از بانک‌ها، مؤسسات مالی و سایر نهادهای مالی استفاده می‌کنند. آنها پول را وارد این مؤسسات می‌کنند، آن را در چرخه‌های مختلف به گردش درمی‌آورند و پس از لایه‌گذاری، به‌گونه‌ای از سیستم خارج می‌کنند که منشأ آن قانونی به نظر برسد.

بنابراین، بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری می‌تواند بستر انجام پولشویی باشد. مهم‌ترین وظیفه بانک‌ها این است که مانع ورود پول‌های نامشروع به سیستم مالی و گردش آنها در شبکه بانکی شوند. اگر هم به هر دلیلی چنین وجوهی وارد سیستم شد، بانک باید وظایف خود، از جمله گزارش‌دهی به مراجع ذی‌ربط را به‌درستی انجام دهد. این مسئولیت‌ها در قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های مربوط مشخص شده است.

در کنار رعایت مقررات، عملکرد تک‌تک افرادی که در این فرایند نقش دارند نیز اهمیت دارد. هر فردی باید وظیفه خود را با دقت و هوشیاری انجام دهد تا امکان دسترسی پولشویان به امکانات و خدمات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری محدود شود.

قوانین و سامانه‌هایی که اکنون در نظام بانکی کشور برای مبارزه با پولشویی وجود دارد، تا چه اندازه کافی است و اساساً بر چه مبنایی تدوین شده‌اند؟ آیا این مقررات با استانداردهای بین‌المللی تنظیم شده‌اند؟

ارجمندنژاد: در زمینه تدوین قوانین و مقررات باید به چند نکته توجه کرد. بخش زیادی از مقرراتی که امروز در ایران داریم، بر اساس مطالعاتی تدوین شده‌اند که از سال‌ها قبل درباره نمونه‌های مشابه در کشورهای دیگر و استانداردهای بین‌المللی انجام شده بود.

برای نمونه، جالب است بدانید که بانک مرکزی در سال ۱۳۸۱، یعنی پنج سال پیش از تصویب قانون مبارزه با پولشویی، مقررات مبارزه با پولشویی در مؤسسات مالی را تهیه و تصویب کرد. این اقدام مبتنی بر مطالعات گسترده‌ای بود و مطالعات نظری و تجربه‌های موجود در زمینه فعالیت‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و کمیته نظارت بانکی بال نیز در شکل‌گیری مبانی و الگوهای آن نقش داشت.

در ادامه، با استفاده از تجربه‌های ملی و بازخوردهایی که از داخل و خارج کشور دریافت شد، قوانین و مقررات به‌تدریج اصلاح و تقویت شدند. به نظر من، دست‌کم از نظر تدوین قوانین و مقررات، مشکل اساسی نداریم؛ زیرا اگر همین قوانین و مقررات به‌طور کامل اجرا شوند، بخش عمده‌ای از مسائل برطرف خواهد شد.

چالش اصلی این است که در برخی موارد، قوانین و مقررات به‌صورت جامع و کامل اجرا نمی‌شوند یا در سیستم‌های اجرایی ضعف‌هایی وجود دارد.

خانم مهجوریان، FATF چه مأموریتی دارد و مهم‌ترین الزامات فنی آن برای شبکه بانکی در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم چیست؟

مهجوریان: در مورد اهداف، آنچه FATF به‌صورت رسمی اعلام می‌کند، مدیریت ریسک‌های مرتبط با مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم است. این نهاد اهداف کلی‌تری مانند حفظ ثبات و سلامت نظام بانکی نیز دارد، اما در عمل تلاش می‌کند ریسک‌های مرتبط با این حوزه را مدیریت کند.

این کار در چهار مرحله دنبال می‌شود. در مرحله نخست، ریسک‌های موجود یا نوظهور در جهان شناسایی می‌شوند. از آنجا که مجرمان دائماً به دنبال روش‌های جدید هستند، شناسایی ریسک‌ها نیز فرایندی مستمر است. یکی از کارگروه‌های دبیرخانه FATF با عنوان «ریسک‌ها و روندها» این وظیفه را بر عهده دارد.

در مرحله دوم، ریسک‌های شناسایی‌شده باید مدیریت شوند. اگر ریسکی اهمیت زیادی داشته باشد و کشورهای متعددی را تحت تأثیر قرار دهد، ممکن است در قالب توصیه‌های FATF منعکس شود یا یکی از توصیه‌ها برای مدیریت آن اصلاح شود. اما اگر یک ریسک به اندازه‌ای مهم نباشد که در توصیه‌ها منعکس شود، ممکن است برای آن سند راهنما تدوین شود. کارگروه توسعه سیاست‌ها در این بخش نقش دارد.

در مرحله سوم، اجرای الزامات ارزیابی می‌شود. صرف تدوین توصیه‌ها کافی نیست و باید مشخص شود کشورها تا چه اندازه آنها را اجرا می‌کنند. به همین دلیل، FATF فرایند ارزیابی را در نظر گرفته است. این ارزیابی‌ها می‌تواند از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی انجام شود که از آن با عنوان ارزیابی یاد می‌شود یا کشورهای عضو گروه‌های منطقه‌ای به‌صورت متقابل یکدیگر را ارزیابی کنند.

اما در بخش الزامات فنی، توصیه‌های FATF فصلی با عنوان تدابیر پیشگیرانه دارد که الزامات مؤسسات مالی از آنجا آغاز می‌شود. توصیه نهم درباره رازداری بانکی است. بر اساس این توصیه، رازداری بانکی نباید به اندازه‌ای باشد که بانک نتواند وظیفه خود را در گزارش‌دهی عملیات مشکوک انجام دهد.

توصیه دهم به مراقبت از مشتری مربوط می‌شود. بانک باید مشتری خود را بشناسد، هویت او را احراز کند و در طول رابطه با مشتری نیز اطلاعات لازم را به‌صورت مستمر بررسی کند. در واقع، مفهوم دقیق‌تر این توصیه صرفاً شناسایی مشتری نیست، بلکه مراقبت مستمر از اوست. همچنین میزان مراقبت باید متناسب با ریسک مشتری باشد؛ یعنی مشتریان پرریسک به بررسی‌های دقیق‌تری نیاز دارند.

توصیه یازدهم درباره نگهداری سوابق است و حداقل پنج سال را برای نگهداری اسناد و اطلاعات در نظر می‌گیرد.

توصیه دوازدهم به اشخاص سیاسی مربوط می‌شود. تجربه جهانی نشان داده است که این افراد به دلیل موقعیت و قدرتی که دارند، ممکن است بیشتر در معرض سوءاستفاده قرار بگیرند. بانک‌ها باید سازوکاری داشته باشند که بتوانند این افراد را شناسایی کنند، منبع وجوه آنها را احراز کنند و بررسی‌های مستمر را در فاصله‌های زمانی کوتاه‌تری انجام دهند.

توصیه سیزدهم درباره روابط کارگزاری بانکی است. بانک‌ها باید پیش از برقراری رابطه کارگزاری، از طریق پرسش‌نامه‌ها و اطلاعات در دسترس عموم، اطمینان حاصل کنند که بانک طرف مقابل از نظر الزامات مبارزه با پولشویی وضعیت مناسبی دارد.

توصیه چهاردهم به نهادهای انتقال‌دهنده وجه که بانک نیستند مربوط می‌شود. این نهادها در برخی کشورها فعالیت دارند، اما در ایران به شکل رایج و مشابه نمونه‌های بین‌المللی وجود ندارند. توصیه پانزدهم فناوری‌های نوین را در بر می‌گیرد و توصیه شانزدهم به نقل‌وانتقالات الکترونیکی و ضرورت همراه بودن اطلاعات فرستنده و گیرنده با انتقال وجه می‌پردازد.

در توصیه هفدهم، موضوع اتکا به اشخاص ثالث مطرح است؛ یعنی اگر بانکی بخواهد بخشی از فرایند شناسایی مشتری را به بانک دیگری واگذار کند، باید اطمینان داشته باشد که آن بانک وظایف خود را به‌درستی انجام می‌دهد. توصیه هجدهم به کنترل‌های داخلی و شمول الزامات مبارزه با پولشویی در شعب و واحدهای مستقل خارج از کشور بانک‌ها مربوط است. توصیه نوزدهم کشورهای پرریسک و توصیه بیستم گزارش معاملات مشکوک را مورد توجه قرار می‌دهد.

در توصیه بیست و یک نیز نکته مهم این است که گزارش‌های مربوط به عملیات مشکوک باید محرمانه بمانند.

اینها مهم‌ترین الزاماتی است که FATF در حوزه بانکی مطرح کرده و عمدتاً بر پایه تجربه‌های جهانی شکل گرفته‌اند. هدف این الزامات آن است که بانک‌ها با رعایت آنها کمتر در معرض سوءاستفاده پولشویان قرار بگیرند.

با توجه به این الزامات، مقررات داخلی ما تا چه اندازه با استانداردهای FATF هم‌راستاست؟ آیا می‌توان گفت از این استانداردها فراتر رفته‌ایم یا همچنان در برخی حوزه‌ها فاصله وجود دارد؟

مهجوریان: تا زمانی که ارزیابی دقیقی انجام نشود، نمی‌توانیم با قطعیت درباره میزان انطباق مقررات داخلی با استانداردهای FATF اظهارنظر کنیم؛ زیرا هر یک از این استانداردها جزئیات و الزامات متعددی دارند و ممکن است حتی یک عبارت یا قید در مقررات داخلی باعث شود که یک ماده با استاندارد موردنظر انطباق کامل نداشته باشد.

با این حال، اگر بخواهیم به‌صورت کلی به مقررات داخلی نگاه کنیم، فصل دوم آیین‌نامه به رویکرد مبتنی بر ریسک مربوط است که با توصیه اول FATF هم‌راستاست. فصل سوم درباره همکاری و هماهنگی ملی است که به توصیه دوم ارتباط دارد. همچنین در مقررات داخلی، فصل‌هایی درباره شناسایی مشتری، نگهداری سوابق، ارسال گزارش‌های لازم از جمله گزارش معاملات مشکوک، روابط کارگزاری و نقل‌وانتقالات الکترونیکی وجود دارد.

بنابراین، عناوین و سرفصل‌ها نشان می‌دهند که در تدوین مقررات از تجربه‌های جهانی استفاده شده است، اما برای اینکه بتوانیم درباره انطباق دقیق آنها اظهارنظر کنیم، باید جزئیات مقررات و نحوه اجرای آنها بررسی شود. این ارزیابی می‌تواند از سوی یک گروه متخصص ارزیابی داخلی نیز انجام شود.

من با این گزاره که مقررات داخلی در مجموع از استانداردهای بین‌المللی فراتر رفته‌اند، موافق نیستم. نباید تصور کنیم که چون عناوین مقررات ما با توصیه‌های FATF هم‌راستاست، دیگر نیازی به بهبود نداریم. همواره راه برای بهتر شدن وجود دارد و باید به دنبال ارتقای مستمر عملکرد باشیم.

ارجمندنژاد: من می‌خواهم نکته‌ای را به صحبت‌های خانم مهجوریان اضافه کنم. اجرای این فرایندها را برای دیگران انجام نمی‌دهیم؛ هر اندازه که عملکرد خود را بهبود دهیم، منفعت آن در وهله اول به خودمان بازمی‌گردد. بنابراین، قرار نیست با اجرای استانداردها بر کسی منت بگذاریم یا صرفاً برای خوشایند دیگران عمل کنیم.

باید تلاش کنیم سیستم‌های ما به اندازه‌ای قوی و توانمند باشند که بتوانند هرگونه تخلف را در این زمینه شناسایی کنند. منفعت اصلی این اقدامات به خود کشور و نهادهای مرتبط در داخل، از جمله مراجع قضایی، انتظامی، بانکی و نظارتی بازمی‌گردد.

> **یکی از نقاط قوت ما این است که استانداردهای بین‌المللی را صرفاً کپی نکرده‌ایم، بلکه تلاش کرده‌ایم آنها را متناسب با شرایط کشور بومی‌سازی کنیم. این موضوع را می‌توان یکی از نقاط قوت رویکرد بومی‌سازی مقررات دانست، چرا که استانداردهای FATF برای حدود ۲۰۰ کشور و حوزه قضایی با نظام‌های مختلف تدوین شده‌اند و طبیعتاً هر کشور باید آنها را با شرایط خود تطبیق دهد.**
>
> **اما در کنار این نقطه قوت، یکی از چالش‌ها سرعت پایین اصلاح مقررات در مقایسه با تحولات فناوری است. امروز محصولات و خدمات مالی با سرعت زیادی تغییر می‌کنند، در حالی که فرایند قانون‌گذاری و مقرره‌نویسی در کشور ما معمولاً زمان‌بر است.**

همان‌طور که تمیز و سالم نگه داشتن محیط زندگی در وهله اول به نفع خود ماست، سالم نگه داشتن نظام مالی نیز پیش از هر چیز به نفع ارکان مختلف کشور خواهد بود.

مهم‌ترین چالش در اجرای مقررات مبارزه با پولشویی چیست؟ آیا مسئله بیشتر به کمبود قوانین مربوط است یا ضعف زیرساخت‌ها و عملکرد بانک‌ها؟

ارجمندنژاد: همان‌طور که اشاره کردم، در کنار مقررات، نحوه اجرای آنها اهمیت زیادی دارد. ابتدا باید تأکید کنم که ارزیابی عملکرد کشور اهمیت زیادی دارد. ممکن است ما مدعی باشیم که مجموعه‌ای از اقدامات را اجرا کرده‌ایم، اما لازم است نهادی مستقل با استفاده از تجربه‌های جهانی و مقایسه با عملکرد سایر کشورها، وضعیت ما را بررسی کند و درباره نقاط ضعف و کاستی‌ها بازخورد بدهد تا بتوانیم آنها را برطرف کنیم.

نکته دوم این است که فاصله زیادی میان سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری با مرحله اجرا وجود دارد. حتی اگر بهترین قوانین و مقررات را داشته باشیم، اما اجرای آنها ضعیف باشد، می‌توان گفت عملاً آن قوانین را در اختیار نداریم. گاهی وجود قانون باعث ایجاد اطمینان کاذب می‌شود؛ یعنی تصور می‌کنیم چون مقرراتی تدوین شده، تمام سیستم به‌درستی و بدون مشکل کار می‌کند، در حالی که ممکن است چنین نباشد. بنابراین، صرف وجود قوانین و مقررات، اجرای صحیح آنها را تضمین نمی‌کند.

بخش مهمی از مشکلات به مرحله اجرا بازمی‌گردد. یکی از عوامل، ضعف زیرساخت‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای است. نظام بانکی باید از سیستم‌های قدرتمندی برخوردار باشد که بتوانند حجم وسیعی از داده‌ها را پردازش کنند، موارد غیرعادی را استخراج کنند و نشانه‌های احتمالی تخلف را تشخیص دهند.

عامل دیگر، عملکرد و اراده افرادی است که در این فرایند نقش دارند. ممکن است برخی افراد حرفه‌ای، از جمله وکلا یا بانکداران، با پولشویان همکاری کنند یا کارکنان به‌صورت غیرعمدی وظایف خود را به‌درستی انجام ندهند. بی‌دقتی، جدی نگرفتن مسئولیت‌ها یا حتی خستگی می‌تواند باعث شود افراد و سیستم‌هایی که باید مقررات را اجرا کنند، نتوانند وظایف خود را به‌درستی انجام دهند. در نتیجه، بسیاری از مشکلات در همین مرحله اجرایی به وجود می‌آید.

مهجوریان: در این زمینه، به نظر من باید هم نقاط قوت مقررات داخلی را ببینیم و هم آنها را آسیب‌شناسی کنیم. یکی از نقاط قوت ما این است که استانداردهای بین‌المللی را صرفاً کپی نکرده‌ایم، بلکه تلاش کرده‌ایم آنها را متناسب با شرایط کشور بومی‌سازی کنیم. این موضوع را می‌توان یکی از نقاط قوت رویکرد بومی‌سازی مقررات دانست، چرا که استانداردهای FATF برای حدود ۲۰۰ کشور و حوزه قضایی با نظام‌های مختلف تدوین شده‌اند و طبیعتاً هر کشور باید آنها را با شرایط خود تطبیق دهد.

اما در کنار این نقطه قوت، یکی از چالش‌ها سرعت پایین اصلاح مقررات در مقایسه با تحولات فناوری است. امروز محصولات و خدمات مالی با سرعت زیادی تغییر می‌کنند، در حالی که فرایند قانون‌گذاری و مقرره‌نویسی در کشور ما معمولاً زمان‌بر است.

با توجه به سرعت تحولات فناوری و شکل‌گیری روش‌های جدید سوءاستفاده مالی، استانداردهای بین‌المللی چگونه خود را با این تغییرات تطبیق می‌دهند؟ نگاه FATF به فناوری‌های نوین چیست؟

مهجوریان: آنچه به‌صراحت در توصیه پانزدهم FATF درباره فناوری آمده، این است که کشورها باید پیش از ارائه یک خدمت یا محصول جدید مبتنی بر فناوری، راه‌های احتمالی سوءاستفاده از آن را بررسی کنند. به عبارت دیگر، نباید ابتدا محصولی را عرضه کنیم و پس از آنکه مورد سوءاستفاده قرار گرفت، تازه به فکر شناسایی ریسک‌های آن بیفتیم.

به نظر من، نگاه FATF به فناوری در طول زمان تغییر کرده است. در گذشته، فناوری‌های جدید و به‌ویژه ارتباط غیرحضوری با مشتری، در ارزیابی ریسک به‌عنوان یکی از عوامل افزایش‌دهنده ریسک در نظر گرفته می‌شدند. در ارزیابی مشتری، عواملی مانند ریسک خود مشتری، نوع خدمت، موقعیت جغرافیایی و کانال ارائه خدمت اهمیت دارند و در آن مقطع، روش‌های غیرحضوری پرریسک‌تر تلقی می‌شدند.

اما به‌تدریج این نگاه تغییر کرد. FATF در اسناد خود بر رویکرد فناوری‌خنثی تأکید می‌کند؛ یعنی نسبت به استفاده از فناوری خاصی سوگیری ندارد و مهم این است که الزامات موردنظر به‌درستی رعایت شوند. یک بانک می‌تواند برای انجام وظایف خود از روش‌های سنتی یا فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی استفاده کند، به شرط آنکه الزامات لازم را رعایت کند.

در برخی اسناد مرتبط با هویت دیجیتال نیز اشاره شده است که اگر استانداردها و الزامات لازم رعایت شوند، شناسایی غیرحضوری حتی می‌تواند از شناسایی حضوری کارآمدتر باشد. این موضوع نشان می‌دهد که فناوری را می‌توان از یک تهدید بالقوه به فرصتی برای بهبود عملکرد نظام مالی تبدیل کرد.

فناوری‌های دیجیتال همچنین می‌توانند به توسعه شمول مالی کمک کنند؛ برای مثال، افرادی که در مناطق روستایی یا نقاط دور از دسترس زندگی می‌کنند، از طریق خدمات دیجیتال امکان دسترسی بیشتری به خدمات مالی خواهند داشت. البته همچنان باید توجه داشت که کانال‌های غیرحضوری ممکن است برای مجرمان جذاب باشند، اما با رعایت استانداردهای لازم می‌توان از مزایای آنها استفاده کرد و ریسک‌هایشان را مدیریت کرد.

با توجه به عقب‌ماندن برخی مقررات از تحولات فناوری، برای افزایش سرعت به‌روزرسانی قوانین و مقررات چه باید کرد؟

ارجمندنژاد: این موضوع تا حدی ریشه تاریخی و فرهنگی دارد. از زمانی که قانون‌گذاری به شکل جدید در کشور ما و پس از دوره مشروطه مطرح شد، معمولاً در به‌روزرسانی قوانین و مقررات با کندی مواجه بوده‌ایم. این روند باعث شده برخی قوانین با وجود گذشت چندین دهه همچنان با تغییرات محدود یا بدون اصلاحات متناسب با تحولات جدید اجرا شوند. واقعیت این است که دنیای فناوری منتظر نمی‌ماند تا ما قوانین خود را اصلاح کنیم. اگر نتوانیم خود را با تغییرات فناوری و مبانی منطقی استفاده از آنها در قالب قوانین و مقررات تطبیق دهیم، از تحولات جهانی عقب خواهیم ماند.

در حوزه مبارزه با پولشویی نیز طی سال‌های اخیر موضوعاتی مانند رگ‌تک و سوپ‌تک مطرح شده‌اند و با سرعت در حال توسعه هستند. در کنار آنها، هوش مصنوعی نیز تحولاتی ایجاد کرده که مشخص نیست در آینده چه ابعاد تازه‌ای خواهد داشت. بنابراین، باید فرهنگ کند و سنگین قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری را تغییر دهیم.

البته صرف سرعت بخشیدن به قانون‌گذاری کافی نیست. ابتدا باید بر قوانینی تمرکز کنیم که برای کشور اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری دارند و منابع محدود خود را صرف موضوعات کم‌اهمیت نکنیم. هنگام تدوین قانون یا مقرره نیز باید همه ابعاد موضوع به‌دقت بررسی شود، از تجربه کشورهای دیگر و تجربیات داخلی استفاده کنیم و پیش از نهایی شدن، متن مقررات را در اختیار افرادی قرار دهیم که قرار است آن را اجرا کنند تا از آنها بازخورد بگیریم.

در عین حال، باید رویکرد مبتنی بر ریسک را در تخصیص منابع نیز رعایت کنیم. منابع نظارتی، نیروی انسانی، تخصص، بودجه و امکانات محدود هستند و نمی‌توان به همه موضوعات به یک اندازه رسیدگی کرد. بنابراین، ابتدا باید به سراغ مواردی برویم که ریسک و اهمیت بیشتری دارند و در صورت وجود منابع اضافی، به اولویت‌های بعدی بپردازیم. قانون‌گذاری نیز باید با همین منطق و با سرعت بیشتر، اما بر پایه مطالعات کارشناسی و بررسی دقیق انجام شود.

ضمانت‌های اجرایی FATF برای بانک‌ها و مؤسسات مالی در صورت رعایت نکردن الزامات مبارزه با پولشویی چیست؟

مهجوریان: در این زمینه باید به توصیه سی‌وپنجم FATF توجه کرد که درباره ضمانت‌های اجرایی و مجازات‌هاست. بر اساس این توصیه، اگر بانک یا یکی از کارکنان آن الزامات مربوط به مبارزه با پولشویی را رعایت نکند، باید امکان اعمال مجازات‌های مدنی، اداری و کیفری وجود داشته باشد.

البته FATF برای کشورها نوع مشخص و یکسانی از مجازات تعیین نمی‌کند؛ زیرا استانداردهای آن برای حدود ۲۰۰ کشور و حوزه قضایی با شرایط متفاوت تدوین شده است. برای مثال، شرایط یک کشور کوچک با چند هزار نفر جمعیت با کشوری مانند چین یا روسیه قابل مقایسه نیست. بنابراین، FATF ویژگی‌های کلی مجازات‌ها را مشخص می‌کند و از کشورها می‌خواهد آنها را متناسب با نظام حقوقی خود اجرا کنند.

یکی از نکات مهم این است که مجازات‌ها باید هم درباره اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی قابل اعمال باشند. به این معنا که اگر مدیری مرتکب تخلف شد، نباید صرفاً با تغییر مدیرعامل، امکان ادامه فعالیت بدون پاسخ‌گویی برای مؤسسه فراهم شود و اشخاص حقوقی نیز باید در قبال تخلفات مسئولیت داشته باشند.

FATF سه ویژگی اصلی برای مجازات‌ها در نظر گرفته است: مؤثر، متناسب و بازدارنده بودن. متناسب بودن به این معناست که مجازات یک تخلف باید با سایر جرائم مشابه تناسب داشته باشد. مؤثر بودن یعنی مجازات به‌گونه‌ای باشد که فرد یا مؤسسه متخلف از تکرار تخلف منصرف شود. بازدارنده بودن نیز به این معناست که مجازات علاوه بر متخلف، برای سایر افراد و مؤسسات نیز پیام روشنی داشته باشد و مانع تکرار رفتار مشابه شود.

کشورها باید این ویژگی‌ها را در نظام حقوقی خود بومی‌سازی کنند. البته رویه‌های اجرایی نشان می‌دهد که در مورد بانک‌ها و صرافی‌ها، مجازات‌های مالی اهمیت زیادی دارند؛ زیرا پول، اصلی‌ترین ابزار فعالیت بانک است و اگر تخلف با منافع مالی همراه باشد، جریمه نیز باید به اندازه‌ای باشد که اثر بازدارنده داشته باشد.

در مجموع، دامنه اقدامات انضباطی و نظارتی می‌تواند از اخطار کتبی آغاز شود و به محدودیت در ارائه برخی خدمات، جریمه نقدی و در نهایت انحلال برسد. البته انحلال بانک به‌ندرت اتفاق می‌افتد، اما جریمه‌های مالی و اعلام عمومی تخلفات در نظام‌های بانکی دنیا کاربرد زیادی دارد.

اعلام عمومی تخلف نیز می‌تواند بر اعتبار بانک اثر بگذارد؛ زیرا سهامداران و سپرده‌گذاران از رفتار بانک مطلع می‌شوند و ممکن است نسبت به ادامه همکاری با آن تجدیدنظر کنند. همین موضوع می‌تواند بانک را به اصلاح رفتار و رویه‌های خود وادار کند. در برخی کشورها از این رویکرد با عنوان «نام بردن و شرمنده کردن» یاد می‌شود؛ یعنی اعلام عمومی تخلف برای ایجاد فشار اعتباری و اصلاح رفتار مؤسسه.

ساخت‌وساز در محاصره تورم و افت تولید

گزارش

ساختمان سال‌هاست یکی از ظرفیت‌های اقتصاد ایران برای عبور از دوره‌های دشوار به شمار می‌رود. صنعتی که با حرکت آن، چرخ کارخانه‌های فولاد و سیمان، تولیدکنندگان مصالح و مجموعه‌ای از فعالیت‌های خدماتی نیز به گردش درمی‌آید. وابستگی قابل‌توجه این صنعت به تولید داخلی، همواره امیدهایی برای حفظ فعالیت آن در شرایط تحریم ایجاد کرده است. بااین‌حال، اقتصاد ایران اکنون شرایط متفاوتی را تجربه می‌کند. جنگ و محاصره دریایی، علاوه بر محدود کردن تجارت خارجی، بخشی از ظرفیت صنایع بزرگ کشور را نیز تحت تأثیر قرار داده است. تازه‌ترین آمارهای مرکز آمار ایران نیز تصویری از افزایش هزینه ساخت‌وساز و کاهش سرمایه‌گذاری در چنین شرایطی ارائه می‌کند.

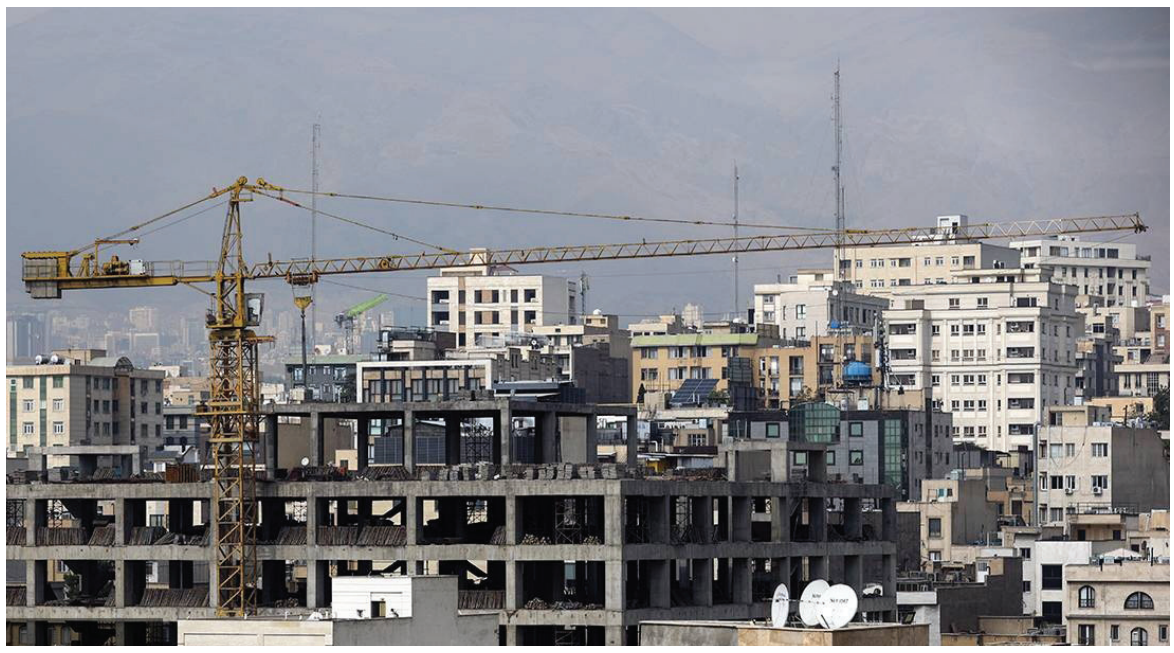

شاخص قیمت نهاده‌های ساختمان‌های مسکونی شهر تهران در تابستان ۱۴۰۵ به عدد ۴۰۲.۴ رسید و تورم فصلی آن با ثبت ۱۹.۶ درصد، از ادامه افزایش هزینه‌های ساخت‌وساز حکایت دارد. اگرچه این نرخ در مقایسه با بهار ۱.۱ واحد درصد کاهش یافته، اما فشار افزایش قیمت‌ها در مقیاس‌های بلندمدت شدت گرفته است؛ به‌طوری‌که تورم نقطه‌به‌نقطه از ۱۰۶.۸ درصد در بهار به ۱۳۲.۶ درصد در تابستان رسیده و تورم سالانه نیز با افزایش ۲۲.۳ واحد درصدی، از ۸۰ درصد به ۱۰۲.۳ درصد صعود کرده است.

موج‌های تورم در سال‌های تحریم

افزایش هزینه‌های ساختمانی در ایران با دوره‌های مختلف تحریم و نوسانات ارزی ارتباط نزدیکی داشته و هر بار فشار تازه‌ای بر تولیدکنندگان و سازندگان وارد کرده است. نخستین جهش قابل‌توجه در سال ۱۳۹۱ و هم‌زمان با تشدید تحریم‌های نفتی و بانکی رخ داد؛ دوره‌ای که افزایش هزینه مواد اولیه و تجهیزات، شرایط فعالیت صنایع داخلی را تغییر داد. فشار قیمت‌ها در سال‌های بعد به‌تدریج کاهش یافت، اما خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷، همراه با بازگشت تحریم‌ها و جهش نرخ ارز، موج دیگری از افزایش هزینه‌ها را به همراه داشت و تورم نهاده‌های ساختمانی به ۴۷.۸ درصد رسید.

هنوز اقتصاد ایران با پیامدهای جهش ارزی روبه‌رو بود که شیوع کرونا و تداوم تحریم‌ها، فشار دیگری بر تولید و تأمین مواد اولیه وارد کرد. تورم سالانه نهاده‌های ساختمانی در سال ۱۳۹۹ به ۷۶.۴ درصد رسید و بزرگ‌ترین افزایش سالانه نرخ تورم را در میان سال‌های کامل جدول مرکز آمار ثبت کرد. این روند در سال‌های بعد به‌تدریج تعدیل شد و آهنگ افزایش قیمت‌ها کاهش یافت، اما آرامش نسبی بازار مصالح از سال ۱۴۰۴ و هم‌زمان با جنگ ۱۲روزه و افزایش محدودیت‌های تولید، بار دیگر تحت تأثیر تحولات اقتصادی و نظامی قرار گرفت. ورود اقتصاد به سال ۱۴۰۵ نیز با جنگ دیگری همراه شد که این بار بخشی از زیرساخت‌های صنعتی کشور را آسیب‌دیده بر جای گذاشت و فشار بر تولید و تأمین مصالح را افزایش داد.

تفاوت دوره اخیر با جهش‌های گذشته تنها در شدت افزایش قیمت‌ها خلاصه نمی‌شود. در سال‌های پیشین، نوسانات ارزی و محدودیت تجارت خارجی از عوامل مهم افزایش هزینه‌ها بودند، اما اکنون بخشی از صنایع تأمین‌کننده مصالح نیز با آسیب به ظرفیت تولید مواجه شده‌اند. این شرایط در صنعتی که بخش بزرگی از نهاده‌های خود را از کارخانه‌های داخلی تأمین می‌کند، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا استمرار ساخت‌وساز به توان تولید همان صنایعی وابسته است که خود درگیر بازسازی و محدودیت‌های تولید هستند.

از فولاد آسیب‌دیده تا پتروشیمی کم‌رمق

فولاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های تأمین مصالح ساختمانی، در جریان جنگ با آسیب به بخشی از تأسیسات تولیدی خود روبه‌رو شد و حملات به فولاد مبارکه و فولاد خوزستان، فعالیت تعدادی از واحدهای این دو مجموعه را مختل کرد. آثار این تحولات در آمار بهار ۱۴۰۵ نیز قابل مشاهده است؛ به‌طوری‌که براساس گزارش فصلی اقتصاد ایران، تولید فولاد خام کشور ۳۲ درصد و تولید محصولات فولادی ۲۲.۸ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل کاهش یافته است. این افت در صنعتی رخ داده که میلگرد، تیرآهن، ورق و انواع پروفیل مورد نیاز ساختمان را تأمین می‌کند و تغییر شرایط تولید آن می‌تواند بر هزینه اجرای پروژه‌ها و دسترسی سازندگان به مصالح اثر بگذارد.

فشار بر زنجیره تولید فولاد در شرایطی ادامه یافته که قیمت محصولات وابسته به این صنعت نیز افزایش قابل‌توجهی داشته است. براساس گزارش مرکز آمار، تورم نقطه‌به‌نقطه گروه آهن‌آلات، میلگرد و پروفیل در تابستان امسال به ۱۲۱.۵ درصد رسیده است؛ گروهی که سهم قابل‌توجهی در شاخص قیمت نهاده‌های ساختمانی تهران دارد. چنین افزایشی برای پروژه‌هایی که در مرحله اجرای اسکلت و سازه قرار دارند، منابع مالی بیشتری را ضروری می‌کند، هرچند نمی‌توان تمام رشد قیمت محصولات فولادی را به کاهش تولید نسبت داد و تحولات نرخ ارز، هزینه انرژی و شرایط عرضه و تقاضا نیز بر آن اثر می‌گذارند.

دامنه آسیب‌های صنعتی جنگ به فولاد محدود نمانده و پتروشیمی نیز یکی از دشوارترین دوره‌های تولید خود را تجربه کرده است. حملات به تأسیسات ماهشهر و عسلویه، علاوه بر آسیب مستقیم به تعدادی از مجتمع‌های پتروشیمی، با ایجاد اختلال در زیرساخت‌های مشترک، فعالیت برخی واحدهای دیگر را نیز تحت تأثیر قرار داد. ابعاد این کاهش در آمار بهار ۱۴۰۵ آشکار است؛ براساس داده‌های منتشرشده در گزارش فصلی اقتصاد ایران، تولید محصولات پتروشیمی نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۶۱.۷ درصد کاهش یافته و از حدود ۱۸ میلیون تن به نزدیک هفت میلیون تن رسیده است. چنین افتی در صنعتی رخ داده که علاوه بر سهم قابل‌توجه در صادرات غیرنفتی، مواد اولیه مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های تولیدی کشور را تأمین می‌کند.

پیوند پتروشیمی با ساختمان را می‌توان در تولید لوله‌ها و اتصالات پلیمری، پوشش کابل‌های برق، انواع عایق و بخشی از مواد مورد نیاز رنگ و تجهیزات ساختمانی مشاهده کرد. کاهش تولید این مواد می‌تواند هزینه محصولات پایین‌دستی را افزایش دهد یا زمان تحویل آن‌ها را طولانی‌تر کند، هرچند شدت این تأثیر به موجودی بازار، ظرفیت واحدهای آسیب‌ندیده و امکان جایگزینی تولید بستگی دارد. بازگشت تدریجی بخشی از مجتمع‌های آسیب‌دیده نیز می‌تواند از محدودیت عرضه بکاهد، اما آثار افزایش هزینه‌ها همچنان در گروه‌های مختلف مصالح ساختمانی قابل مشاهده است.

جزئیات گزارش مرکز آمار نیز از تفاوت فشار هزینه‌ها در مراحل مختلف ساخت‌وساز خبر می‌دهد. تأسیسات برقی با تورم نقطه‌به‌نقطه ۲۲۲.۱ درصدی، بیشترین افزایش قیمت را در میان گروه‌های اجرایی تهران ثبت کرده. این تغییرات برای سازندگانی که پروژه‌های خود را با برآورد هزینه سال گذشته شروع کرده‌اند، می‌تواند منابع لازم برای تکمیل ساختمان را افزایش دهد؛ حتی اگر بخش عمده عملیات عمرانی پروژه انجام شده باشد.

ساختمان گران‌تر، سرمایه‌گذاری کمتر

افزایش قیمت مصالح ساختمانی لزوماً به معنای رونق ساخت‌وساز نیست و برای درک وضعیت واقعی این صنعت، باید دید در کنار گران‌تر شدن آهن و سیمان و تجهیزات، چه میزان سرمایه تازه وارد فعالیت‌های ساختمانی شده است. ممکن است ارزش ریالی یک پروژه نسبت به سال گذشته افزایش قابل‌توجهی پیدا کند، اما همان مقدار مصالح و همان حجم عملیات ساختمانی در آن به کار گرفته شده باشد. در چنین شرایطی، هزینه ساخت افزایش یافته، بی‌آنکه فعالیت واقعی ساختمان رشد کرده باشد. حساب‌های ملی مرکز آمار ایران برای بررسی این وضعیت از شاخصی به نام «تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ساختمان» استفاده می‌کند؛ عنوانی تخصصی که مفهوم آن به سرمایه‌گذاری برای ایجاد ساختمان‌ها و سازه‌های جدید مربوط می‌شود. زمانی که یک ساختمان مسکونی، کارخانه یا انبار احداث می‌شود، منابعی صرف ایجاد دارایی می‌شود که سال‌ها قابل استفاده خواهد بود و ارزش این فعالیت در تشکیل سرمایه ثابت ساختمان محاسبه می‌شود. اهمیت این شاخص زمانی بیشتر می‌شود که ارقام آن به قیمت ثابت بررسی شوند؛ یعنی اثر افزایش قیمت‌ها کنار گذاشته شود تا مشخص شود حجم واقعی سرمایه‌گذاری چه تغییری کرده است.

> **دامنه آسیب‌های صنعتی جنگ به فولاد محدود نمانده و پتروشیمی نیز یکی از دشوارترین دوره‌های تولید خود را تجربه کرده است.**
>
> **حملات به تأسیسات ماهشهر و عسلویه، علاوه بر آسیب مستقیم به تعدادی از مجتمع‌های پتروشیمی، با ایجاد اختلال در زیرساخت‌های مشترک، فعالیت برخی واحدهای دیگر را نیز تحت تأثیر قرار داد.**
>
> **ابعاد این کاهش در آمار بهار ۱۴۰۵ آشکار است؛ براساس داده‌های منتشرشده در گزارش فصلی اقتصاد ایران، تولید محصولات پتروشیمی نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۶۱.۷ درصد کاهش یافته و از حدود ۱۸ میلیون تن به نزدیک هفت میلیون تن رسیده است.**

ساخت‌وساز در محاصره تورم و افت تولید

تجربه سال‌های گذشته نیز حاکی از آن است که افزایش هزینه ساخت همواره با کاهش سرمایه‌گذاری همراه نبوده است. براساس داده‌های مرکز آمار، تشکیل سرمایه ثابت در ساختمان طی سال ۱۳۹۷ رشد مثبت داشت، اما در سال ۱۳۹۹ و هم‌زمان با تشدید فشارهای اقتصادی، کاهش شدیدی را تجربه کرد. سرمایه‌گذاری واقعی در سال‌های بعد نیز فراز و فرودهایی داشت و پس از چند دوره کاهش، در سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ رشد مثبت اما محدودی ثبت کرد. تازه‌ترین آمار بهار ۱۴۰۵ با این روند متفاوت است و از کاهش ۶.۴ درصدی تشکیل سرمایه ثابت در ساختمان نسبت به فصل مشابه سال گذشته خبر می‌دهد؛ کاهشی که در شرایط افزایش شدید هزینه نهاده‌ها و محدودیت‌های تولید رخ داده است.

فشار افزایش هزینه‌ها برای سازنده‌ای که اجرای پروژه خود را با برآورد مالی سال گذشته شروع کرده، تنها به تغییر قیمت چند قلم مصالح محدود نمی‌شود و می‌تواند منابع لازم برای تکمیل ساختمان را افزایش دهد. اجرای همان مقدار عملیات ساختمانی اکنون به سرمایه بیشتری نیاز دارد و اگر منابع تأمین مالی یا درآمد حاصل از فروش واحدها متناسب با افزایش هزینه‌ها رشد نکند، ممکن است تکمیل پروژه طولانی‌تر شود یا شروع ساخت‌وساز جدید به تعویق بیفتد.

کاهش تشکیل سرمایه از این جهت اهمیت دارد که فعالیت آینده ساختمان نیز به سرمایه‌گذاری امروز وابسته است و محدود شدن پروژه‌های جدید می‌تواند تقاضا برای محصولات فولادی، سیمانی و سایر مصالح را در دوره‌های بعد تحت تأثیر قرار دهد.

البته دو شاخص مورد بررسی دامنه جغرافیایی یکسانی ندارند. آمار تورم نهاده‌های ساختمانی مرکز آمار ایران تنها به ساختمان‌های مسکونی شهر تهران اختصاص دارد، درحالی‌که آمار تشکیل سرمایه ثابت در ساختمان، مجموعه فعالیت‌های ساختمانی کل کشور را شامل می‌شود. از این رو نمی‌توان افزایش قیمت مصالح در تهران را علت مستقیم کاهش سرمایه‌گذاری در سراسر کشور معرفی کرد، اما بررسی هم‌زمان این دو شاخص امکان ارزیابی فشار هزینه‌ها در کنار وضعیت سرمایه‌گذاری واقعی را فراهم می‌کند.

ظرفیت رشد در روزهای دشوار

ظرفیت صنعت ساختمان برای کمک به رشد اقتصادی با وجود فشارهای اخیر از بین نرفته و نیاز به بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده از جنگ، نوسازی بافت‌های فرسوده و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام همچنان می‌تواند تقاضای قابل‌توجهی برای مصالح و خدمات ساختمانی ایجاد کند. وجود کارخانه‌های داخلی فولاد، سیمان و تجهیزات نیز امکان تأمین بخش مهمی از نیاز ساخت‌وساز را فراهم کرده است؛ ظرفیتی که در شرایط تحریم و محدودیت تجارت خارجی می‌تواند به تداوم تولید و اشتغال در صنایع وابسته کمک کند.

استفاده از این ظرفیت‌ها در شرایط کنونی البته آسان نیست و کاهش تولید برخی صنایع پایه، آسیب به زیرساخت‌های صنعتی و افزایش هزینه نهاده‌ها، منابع مالی بیشتری را برای ادامه ساخت‌وساز ضروری کرده است. بازسازی کارخانه‌های آسیب‌دیده و بازگشت تدریجی ظرفیت تولید می‌تواند بخشی از فشار تأمین مصالح را کاهش دهد و تکمیل پروژه‌های موجود نیز به حفظ تقاضا برای محصولات داخلی کمک کند. تأمین مالی این فعالیت‌ها نیز زمانی اثربخش خواهد بود که منابع به طرح‌های دارای امکان اجرا و تکمیل اختصاص یابد و حمایت از تولید با حفظ انضباط پولی همراه باشد.

واکنش همتی به تحریم مرکز مبادله ارز و طلا؛

ظاهرا دیگر تیری در ترکش تحریم‌کنندگان نمانده است



به نقل از تسنیم، عبدالناصر همتی رئیس‌کل بانک مرکزی با اشاره به ادعای وزیر خزانه‌داری آمریکا که از تحریم مرکز مبادله ارز و طلای ایران به‌عنوان حمله به آخرین مرحله بانکداری سایه ایران یاد کرده است، گفت: ظاهراً دیگر تیری در ترکش تحریم‌کنندگان نمانده که کارشان به تحریم مرکز مبادله ارز و طلای ایران کشیده است که صرفاً پلتفرم ثبت معاملات است.

همتی افزود: مرکز مبادله که پیش چشم همه است، ساختمانش نشانی دارد، نامش روی تابلوی سردر است و وب‌سایتش هم در دسترس همه است، اگر اینجا را هم «بانکداری سایه» می‌بینند، ظاهراً دچار توهم آفتاب و سایه شده‌اند، شاید وقتی آدم در روز روشن هم هر سایه‌ای را تهدید می‌بیند، فقط در پادگان احساس امنیت می‌کند.

---

۱۲ صندوق نقره در محدوده زیان

بازار

عملکرد صندوق‌های نقره در آبان‌ماه با افت قابل‌توجه بازدهی همراه شد به‌طوری‌که از میان ۱۳ صندوق بررسی‌شده ۱۲ صندوق بازدهی منفی را در سه‌ماهه منتهی به آبان ثبت کردند و تنها یک صندوق توانست در این دوره بازدهی مثبت داشته باشد.



۱۲ صندوق نقره در محدوده زیان

بررسی بازدهی سه‌ماهه صندوق‌های نقره نشان می‌دهد که این صندوق‌ها در دوره منتهی به مهرماه عملکرد به‌مراتب بهتری داشتند. در آن مقطع، بازدهی تمامی صندوق‌های مورد بررسی مثبت بود و صندوق سیگلو با بازدهی ۲۷.۶ درصدی در صدر قرار داشت. پس از آن، نقراط با ۲۴.۲ درصد و پلاتا با ۲۲.۱ درصد بیشترین بازدهی را ثبت کردند. اما در سه‌ماهه منتهی به آبان‌ماه روند بازدهی صندوق‌ها تغییر کرد به این طور که در این دوره صندوق نقراط تنها صندوقی بود که بازدهی مثبت ۲.۸ درصدی را به ثبت رساند. در مقابل، نقره‌فام با بازدهی منفی ۲۱.۷ درصد، ضعیف‌ترین عملکرد را در میان صندوق‌های بررسی‌شده داشت. همچنین بازدهی صندوق نقرابی به منفی ۱۹.۱ درصد، نقرآمد به منفی ۱۸.۹ درصد و سیلور به منفی ۱۷.۳ درصد رسید. صندوق‌های سیمین و نقرسیا نیز به‌ترتیب بازدهی منفی ۱۷.۱ و ۱۶.۸ درصدی را تجربه کردند.

افت ۴۴ واحد درصدی بازدهی سیگلو

مقایسه بازدهی صندوق‌ها در دو دوره نشان می‌دهد که بیشترین افت در عملکرد مربوط به صندوق سیگلو بوده است. بازدهی این صندوق از ۲۷.۶ درصد در سه‌ماهه منتهی به مهرماه به منفی ۱۶.۳ درصد در دوره منتهی به آبان‌ماه رسید که بیانگر افت ۴۴ واحد درصدی است. پس از آن، نقره‌فام با ۳۸ واحد درصد و پلاتا با ۳۷ واحد درصد افت بازدهی، بیشترین تغییر منفی را تجربه کردند. در این میان، نقراط با وجود افت ۲۱ واحد درصدی نسبت به دوره قبل، تنها صندوقی بود که توانست بازدهی خود را در محدوده مثبت حفظ کند. آمارها از تغییر محسوس عملکرد صندوق‌های نقره در دو دوره متوالی حکایت دارد به‌طوری‌که بازدهی مثبت این صندوق‌ها در دوره منتهی به مهرماه، در دوره منتهی به آبان‌ماه جای خود را به بازدهی منفی در اغلب صندوق‌ها داده است. این تغییر نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران صندوق‌های نقره در آبان‌ماه با شرایط متفاوتی نسبت به ماه قبل روبه‌رو بوده‌اند.

معرفی ۲۵ بانک بزرگ جهان از نظر ارزش بازار

بانک‌های چینی و آمریکایی بیشترین سهم سرمایه را دارند



بانک‌ها

به نقل از الجزیره، ارزش بازار ۲۵ بانک بزرگ جهان، تصویری از قدرت و نفوذ غول‌های مالی در اقتصاد جهانی ارائه می‌دهد؛ رتبه‌بندی‌ای که نشان می‌دهد کدام بانک‌ها بیشترین سهم از سرمایه و اعتماد بازارهای مالی را در اختیار دارند و رقابت میان نظام‌های بانکی آمریکا، چین و اروپا در چه وضعیتی قرار گرفته است.

در این میان، بانک آمریکایی جی‌پی مورگان چیس با ارزش بازار ۹۱۰.۴ میلیارد دلار در صدر فهرست قرار گرفت و با فاصله‌ای چشمگیر از نزدیک‌ترین رقبای خود پیشی گرفت؛ به‌گونه‌ای که ارزش بازار آن از مجموع ارزش بازار دو بانکی که در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند و به ۸۵۱.۴ میلیارد دلار می‌رسد، بیشتر است.

بر اساس داده‌های وب‌سایت کامپنیز مارکت کپ ، بانک‌های چینی عملکرد قابل‌توجهی در این رتبه‌بندی داشته‌اند و چهار جایگاه از ۱۰ رتبه نخست را به خود اختصاص داده‌اند. بانک‌های آمریکایی نیز چهار جایگاه را در اختیار دارند و انگلیس و کانادا هر کدام یک نماینده در میان ۱۰ بانک برتر جهان دارند.

این رتبه‌بندی نشان‌دهنده ارزیابی سرمایه‌گذاران از مؤسسات بانکی در بازارهای سهام است؛ ارزیابی‌ای که تحت تأثیر انتظارات مربوط به سودآوری، رشد و ریسک قرار دارد و با رتبه‌بندی بانک‌ها بر اساس حجم دارایی‌ها یا سپرده‌های آن‌ها متفاوت است.

۱۰ بانک بزرگ جهان

داده‌های نوامبر ۲۰۲۶ نشان می‌دهد بانک‌های آمریکایی و چینی در مجموع ۸ جایگاه از ۱۰ رتبه نخست بانک‌های جهان را از نظر ارزش بازار در اختیار دارند؛ به‌طوری‌که سهم هر یک از این دو کشور چهار بانک است و انگلیس و کانادا نیز هر کدام یک بانک در این فهرست دارند.

رتبه‌بندی ۱۰ بانک بزرگ جهان از نظر ارزش بازار به شرح زیر است:

۱. جی‌پی مورگان چیس آمریکا با ارزش بازار ۹۱۰.۴ میلیارد دلار.

۲. بانک ساخت‌وساز چین با ارزش بازار ۴۷۰.۷ میلیارد دلار.

۳. بانک کشاورزی چین با ارزش بازار ۳۸۰.۷ میلیارد دلار.

۴. بانک صنعتی و تجاری چین با ارزش بازار ۳۵۵.۹ میلیارد دلار.

۵. بانک آمریکا با ارزش بازار ۳۴۸.۵ میلیارد دلار.

۶. بانک چین با ارزش بازار ۳۳۹.۸ میلیارد دلار.

۷. اچ‌اس‌بی‌سی انگلیس با ارزش بازار ۳۰۴.۵ میلیارد دلار.

۸. مورگان استنلی آمریکا با ارزش بازار ۲۹۵.۷ میلیارد دلار.

۹. رویال بانک کانادا با ارزش بازار ۲۸۰.۵ میلیارد دلار.

۱۰. گلدمن ساکس آمریکا با ارزش بازار ۲۶۳.۵ میلیارد دلار.

ارزش بازار مجموع ۱۰ بانک نخست جهان به حدود ۳.۹۵ تریلیون دلار رسید که از این میزان، حدود ۱.۸۲ تریلیون دلار به چهار بانک آمریکایی و ۱.۵۵ تریلیون دلار به چهار بانک چینی اختصاص دارد.

بانک‌های آمریکایی

مؤسسات بانکی آمریکا با در اختیار گرفتن ۷ جایگاه از فهرست ۲۵ بانک بزرگ جهان از نظر ارزش بازار، حضور خود را در این رتبه‌بندی تقویت کردند. در صدر این بانک‌ها، جی‌پی مورگان چیس قرار دارد.

همچنین بانک ولز فارگو با ارزش بازار ۲۵۷.۴ میلیارد دلار در رتبه یازدهم، سیتی‌گروپ با ارزش بازار ۲۰۵.۳ میلیارد دلار در جایگاه سیزدهم و چارلز شواب با ارزش بازار ۱۵۸.۳ میلیارد دلار در رتبه هجدهم قرار گرفتند.

این حضور گسترده، جایگاه مؤسسات مالی آمریکا را در بازارهای جهانی سهام و تنوع فعالیت‌های آن‌ها در حوزه بانکداری تجاری و سرمایه‌گذاری، مدیریت دارایی و مدیریت ثروت نشان می‌دهد.

بانک‌های آسیایی

در کنار چهار بانک چینی حاضر در میان ۱۰ بانک نخست جهان، بانک چاینا مرچنتس نیز با ارزش بازار ۱۷۳.۶ میلیارد دلار در رتبه هفدهم جهان قرار گرفت.

دیگر مؤسسات بانکی آسیایی حاضر در این رتبه‌بندی عبارت‌اند از:

بانک میتسوبیشی یوافجی ژاپن با ارزش بازار ۲۴۴.۸ میلیارد دلار در رتبه دوازدهم.

گروه دی‌بی‌اس سنگاپور با ارزش بازار ۱۵۸ میلیارد دلار در رتبه نوزدهم.

گروه مالی سومیتومو میتسویی ژاپن با ارزش بازار ۱۵۲.۹ میلیارد دلار در رتبه بیستم.

بانک اچ‌دی‌اف‌سی هند با ارزش بازار ۱۳۲.۳ میلیارد دلار در رتبه بیست‌وچهارم.

بانک آی‌سی‌آی‌سی‌آی هند با ارزش بازار ۱۲۳.۵ میلیارد دلار در رتبه بیست‌وپنجم.

بانک میتسوبیشی یوافجی ژاپن با ارزش بازار ۲۴۴.۸ میلیارد دلار در رتبه دوازدهم جهان قرار دارد.

بانک‌های اروپایی

بانک‌های اروپایی پنج جایگاه از فهرست ۲۵ بانک بزرگ جهان از نظر ارزش بازار را به خود اختصاص دادند. این بانک‌ها از کشورهای انگلیس، اسپانیا، سوئیس و ایتالیا هستند.

بانک اچ‌اس‌بی‌سی انگلیس با ارزش بازار ۳۰۴.۵ میلیارد دلار در رتبه هفتم جهان، پیشتاز بانک‌های اروپایی است.

بانک سانتاندر اسپانیا با ارزش بازار ۱۷۴.۷ میلیارد دلار در جایگاه شانزدهم قرار دارد.

گروه یوبی‌اس سوئیس با ارزش بازار ۱۴۶.۸ میلیارد دلار در رتبه بیست‌ویکم قرار گرفت.

گروه بی‌بی‌وی‌ای اسپانیا و بانک یونی‌کردیت ایتالیا نیز هر دو با ارزش بازار ۱۴۱.۸ میلیارد دلار، به‌ترتیب در رتبه‌های بیست‌ودوم و بیست‌وسوم قرار دارند.

در این فهرست هیچ بانکی از فرانسه یا آلمان حضور ندارد؛ این در حالی است که تعدادی از بانک‌های این دو کشور از حجم دارایی‌های بانکی قابل‌توجهی برخوردارند. این موضوع تفاوت رتبه‌بندی مؤسسات مالی بر اساس ارزش بازار با رتبه‌بندی آن‌ها بر مبنای مجموع دارایی‌ها را نشان می‌دهد.

گروه یوبی‌اس سوئیس با ارزش بازار ۱۴۶.۸ میلیارد دلار در رتبه بیست‌ویکم جهان قرار دارد.

سایر بانک‌ها

بانک‌های کانادایی و استرالیایی نیز در فهرست ۲۵ بانک بزرگ جهان حضور دارند:

رویال بانک کانادا با ارزش بازار ۲۸۰.۵ میلیارد دلار در رتبه نهم جهان قرار گرفت.

بانک تورنتو دومینیون کانادا با ارزش بازار ۲۰۲.۲ میلیارد دلار در جایگاه چهاردهم ایستاد.

بانک کامن‌ولث استرالیا نیز با ارزش بازار ۲۰۰ میلیارد دلار در رتبه پانزدهم قرار گرفت.

احیای طلا در سایه افت نفت



بازارهای جهانی

به نقل از رویترز؛ بازارهای جهانی کالا در معاملات روز سه‌شنبه، تحت تأثیر دو نیروی متفاوت اقتصادی و ژئوپلیتیک قرار گرفتند. در بازار طلا، کاهش فشار فروش و بازگشت خریداران در قیمت‌های پایین‌تر، زمینه افزایش محدود بهای این فلز گران‌بها را فراهم کرد؛ با این حال، نگرانی از تداوم سیاست پولی انقباضی فدرال رزرو و انتظار برای انتشار داده‌های تورمی آمریکا همچنان مانع از شکل‌گیری یک روند صعودی قدرتمند شده است.

در سوی دیگر بازار، قیمت نفت برای دومین روز متوالی کاهش یافت و به محدوده پایین‌ترین سطوح سه‌ماهه نزدیک شد. افزایش نشانه‌های رشد عرضه جهانی و احتمال شکل‌گیری مازاد نفت، فشار نزولی قابل‌توجهی بر قیمت‌ها وارد کرده است؛ هرچند تداوم تنش‌های خاورمیانه و نگرانی درباره امنیت عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز همچنان از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده ریسک صعودی در بازار انرژی به شمار می‌روند.

بازگشت محدود خریداران پس از سقوط سنگین طلا

قیمت طلا در معاملات روز سه‌شنبه با افزایش اندکی همراه شد و بخشی از افت شدید هفته گذشته را جبران کرد. بهای هر اونس طلای نقدی با رشد ۰.۱ درصدی به ۳ هزار و ۶۳۵ دلار و ۱۰ سنت رسید. این در حالی است که قیمت طلا در معاملات روز جمعه به پایین‌ترین سطح خود از سپتامبر ۲۰۲۵ رسیده بود. در مقابل، قراردادهای آتی طلای آمریکا با افت ۰.۵ درصدی در سطح ۳ هزار و ۶۳۴ دلار و ۲۰ سنت معامله شدند.

باس کویجمن، مدیرعامل و مدیر دارایی شرکت DHF Capital، با اشاره به تحولات هفته گذشته اعلام کرد که سیگنال‌های انقباضی فدرال رزرو هم‌زمان با ریزش سهام شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی، موجب افزایش فشار فروش در بازار طلا شد. در این شرایط، برخی سرمایه‌گذاران برای جبران زیان‌های خود در بازار سهام و تأمین نقدینگی، اقدام به فروش دارایی‌های طلایی کردند. به گفته وی، بخشی از این فشار فروش اکنون کاهش یافته است؛ با این حال، انتظارات مربوط به تشدید سیاست‌های پولی همچنان می‌تواند مانع رشد قابل‌توجه طلا شود.

یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر بازار طلا، چشم‌انداز نرخ بهره در اقتصاد آمریکاست. از آنجا که طلا دارایی بدون بازده محسوب می‌شود، افزایش نرخ‌های بهره معمولاً هزینه فرصت نگهداری آن را بالا می‌برد و جذابیت این فلز را در مقایسه با دارایی‌های سودده کاهش می‌دهد. اظهارات اخیر جان ویلیامز، رئیس فدرال رزرو نیویورک، نیز بر نگرانی‌های موجود درباره تداوم سیاست پولی انقباضی افزوده است. وی روز دوشنبه تأکید کرد که بالا ماندن تورم همچنان ضرورت اتخاذ سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه‌تر را مطرح می‌کند؛ هرچند سرعت و میزان افزایش‌های احتمالی نرخ بهره به داده‌های اقتصادی آینده بستگی خواهد داشت. بر اساس اطلاعات ابزار CME FedWatch که در گزارش مبنا به آن اشاره شده است، بازارها احتمال افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای نرخ بهره در نشست دسامبر فدرال رزرو را حدود ۹۵ درصد و احتمال افزایش ۵۰ واحد پایه‌ای را ۴.۹ درصد ارزیابی می‌کنند.

نفت به کف سه‌ماهه نزدیک شد

در بازار انرژی، قیمت نفت برای دومین روز متوالی کاهش یافت. نگرانی از افزایش عرضه جهانی و احتمال شکل‌گیری مازاد در بازار، مهم‌ترین عامل فشار بر قیمت‌ها بوده است. نفت خام برنت با افت ۶۶ سنتی، معادل ۰.۷ درصد، به ۸۸ دلار و ۷۱ سنت در هر بشکه رسید. این شاخص در معاملات روز دوشنبه نیز پایین‌ترین قیمت پایانی خود از ۳۱ اوت را ثبت کرده بود. نفت خام وست‌تگزاس نیز با کاهش ۶۰ سنتی، معادل ۰.۸ درصد، به ۷۹ دلار و ۵۷ سنت در هر بشکه رسید. قیمت این شاخص پیش‌تر در جریان معاملات به پایین‌ترین سطح خود از ۲۶ اوت رسیده بود.

سوورو سارکار، رئیس تحقیقات انرژی بانک DBS، معتقد است بازار نفت در روزهای اخیر بخش عمده‌ای از نیروی صعودی خود را از دست داده است. به گفته وی، شرایط عرضه با وجود تداوم اختلال در تنگه هرمز نسبتاً مناسب باقی مانده و معامله‌گران بیش از گذشته احتمال شکل‌گیری مازاد عرضه در آینده را در محاسبات خود لحاظ می‌کنند. با این حال، وی هشدار داده است که احتمال بازگشت قیمت‌ها به مسیر صعودی همچنان وجود دارد؛ زیرا مذاکرات ایران و آمریکا پیشرفت مشخصی نداشته و هر دو طرف ممکن است در مقطعی برای سنجش میزان تحمل طرف مقابل، اقدامات جدیدی در ارتباط با محدودیت‌های تنگه هرمز انجام دهند.

افت هم‌زمان نقره، پلاتین و پالادیوم

ضعف بازار فلزات گران‌بها تنها به طلا محدود نبود و سایر فلزات نیز در معاملات روز سه‌شنبه عمدتاً با کاهش قیمت مواجه شدند. بهای هر اونس نقره با افت ۰.۸ درصدی به ۴۲ دلار و ۷۲ سنت رسید. پلاتین نیز کاهش قابل‌توجه‌تری را تجربه کرد و با افت ۱.۸ درصدی در سطح هزار و ۳۰۱ دلار و ۸۱ سنت قرار گرفت. همچنین قیمت پالادیوم با کاهش ۰.۶ درصدی به ۸۸۸ دلار و ۱۲ سنت در هر اونس رسید.

گزارش خبری

رشد اقتصادی سنگاپور؛ ۶ درصد

وزارت تجارت و صنعت سنگاپور اعلام کرد عملکرد بهتر از انتظار اقتصاد در سه فصل نخست سال، دلیل اصلی افزایش پیش‌بینی رشد اقتصادی بوده است. رشد سه‌ماهه سوم همچنین از برآورد اولیه دولت (۵.۴ درصد) و پیش‌بینی اقتصاددانان (۵.۶ درصد) فراتر رفت. به گفته مقام‌های سنگاپور، افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوش مصنوعی و توسعه مراکز داده، به تقویت بخش‌های تولید و تجارت عمده‌فروشی کمک کرده است. همچنین سازمان توسعه تجارت این کشور پیش‌بینی رشد صادرات داخلی غیرنفتی در سال ۲۰۲۶ را از ۱۴ تا ۱۶ درصد به ۳۰ تا ۳۲ درصد افزایش داده است.

با این حال، دولت برای سال ۲۰۲۷ رشد اقتصادی پایین‌تری در محدوده ۲.۵ تا ۴.۵ درصد پیش‌بینی کرده است. کاهش تدریجی شتاب سرمایه‌گذاری جهانی در هوش مصنوعی و کند شدن رشد اقتصادی شرکای تجاری مهمی مانند آمریکا و چین از عوامل این چشم‌انداز محتاطانه هستند. در همین حال، اقتصاددانان نسبت به نامتوازن بودن روند بهبود اقتصادی هشدار داده‌اند؛ چراکه بخش‌هایی مانند خرده‌فروشی و خدمات غذایی همچنان با ضعف تقاضا و رشد محدود اشتغال مواجه‌اند.

در تحولی دیگر، آمریکا محدودیت‌های جدیدی برای صادرات تراشه‌های پیشرفته به برخی کشورهای آسیایی از جمله سنگاپور، مالزی و تایلند اعمال کرده است؛ اقدامی که می‌تواند فعالیت مراکز داده و زنجیره تأمین فناوری در منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، وزارت تجارت و صنعت سنگاپور اعلام کرده است که اثر اولیه این محدودیت‌ها بر اقتصاد کشور قابل مدیریت خواهد بود.

چرا مدیر انویدیا را برگشت؟

در چرخشی کم‌سابقه و بحث‌برانگیز، دونالد ترامپ، سرانجام برای بازگرداندن جنسن هوانگ به رأس شرکت انویدیا مداخله کرد؛ تصمیمی که پس از موجی از نگرانی‌ها در بازارهای مالی، سقوط ارزش سهام و تشدید بحران در یکی از مهم‌ترین شرکت‌های راهبردی صنعت تراشه‌سازی آمریکا اتخاذ شد. بازگشت هوانگ در شرایطی رقم خورد که کمتر از یک هفته پیش، هیئت‌مدیره انویدیا به دلیل جنجال‌های شخصی و اتهامات مطرح‌شده علیه او، بازگشتش به مدیرعاملی را رد کرده بود. با این حال، ظاهراً فشارهای اقتصادی و نگرانی از پیامدهای ادامه بحران برای بازار سرمایه، معادلات را تغییر داد. استعفای هوانگ نه‌تنها انویدیا، بلکه بخش بزرگی از اکوسیستم هوش مصنوعی را تحت تأثیر قرار داده بود؛ صنعتی که به تراشه‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های این شرکت وابستگی گسترده‌ای دارد. در چنین شرایطی، بازگشت مدیرعاملی که خروجش بازار را با شوک مواجه کرده بود، به گزینه‌ای برای مهار بحران تبدیل شد. ترامپ شخصا از نقش خود در این بازگشت سخن گفت و اعلام کرد مداخله او برای بازگرداندن هوانگ بسیار مهم بوده است.

این در حالی است که طبق اسناد مالی منتشرشده، ترامپ مالک سهام انویدیا به ارزش تقریبی ۱۱ تا ۵۵ میلیون دلار است و جهش سهام این شرکت می‌توانسته تا ۱۷ میلیون دلار به ثروت او اضافه کند؛ موضوعی که بحث درباره تعارض منافع احتمالی را نیز مطرح کرده است. پس از اعلام بازگشت هوانگ، سهام انویدیا در معاملات دیروز ۳۱.۵ درصد جهش کرد و نزدیک به یک تریلیون دلار به ارزش بازار این شرکت افزود. این واکنش نشان داد که آینده مدیریتی انویدیا تا چه اندازه با اعتماد بازارهای مالی و ثبات صنعت هوش مصنوعی گره خورده است. اما مسئله فقط نجات ارزش سهام نیست. بازگشت هوانگ در شرایطی صورت می‌گیرد که عملکرد انویدیا در قبال محدودیت‌های صادرات تراشه به چین، به یکی از حساس‌ترین موضوعات امنیت اقتصادی آمریکا تبدیل شده است. برخی نمایندگان کنگره معتقدند این شرکت باید درباره سرنوشت تراشه‌های پیشرفته و احتمال انتقال آن‌ها به چین پاسخ‌گو باشد.

مبارزه با پولشویی فراتر از نظارت بانکی

با وجود این، نباید انتظار داشت که شبکه بانکی به‌تنهایی بتواند تمام مسیرهای پولشویی را شناسایی و مسدود کند. وقتی بخشی از فعالیت‌های اقتصادی در بازارهایی خارج از نظارت مستقیم بانک مرکزی انجام می‌شود، همکاری نهادهای متولی آن بازارها ضرورت پیدا می‌کند. تبادل اطلاعات میان دستگاه‌های نظارتی، مالیاتی و اجرایی و همچنین مرکز اطلاعات مالی، می‌تواند تصویری جامع‌تر از جریان منابع و ارتباط میان فعالیت‌های اقتصادی فراهم کند. بدون چنین همکاری‌ای، احتمال انتقال فعالیت‌های غیرشفاف از یک بخش اقتصادی به بخش دیگر وجود خواهد داشت. در نهایت، مبارزه مؤثر با پولشویی نیازمند پیوند میان نظارت مالی، شفافیت اقتصادی، اصلاح نظام مالیاتی و ثبات اقتصاد کلان است. بانک مرکزی و شبکه بانکی بخشی از این منظومه هستند، اما موفقیت در این مسیر زمانی حاصل می‌شود که همه نهادهای مسئول، متناسب با حوزه اختیارات خود، در شناسایی و محدود کردن جریان‌های مالی غیرقانونی مشارکت داشته باشند.